



روند تحولات شهری در فضای شهر تاریخی اصفهان با تأکید بر دو دهه اول قرن بیست و یک (یک مصداق حفاظت شرقی در آسیای غربی و منطقه خاورمیانه)*

بهنام پدram** سارا قاسمیه***

چکیده

تحولات شهری دهه‌های اخیر در بسیاری از شهرهای تاریخی مدیریت شهری را دچار بحران کرده است. به‌نحوی که اقدامات خودسرانه در ارتباط با مناظر شهری تاریخی، خاطره شهری را به‌شدت مخدوش و هویت شهری تاریخی را برای نسل‌های آینده ناخوانا می‌نمایند. در یک بررسی اولیه در بسیاری از فضاهای شهری تاریخی می‌توان اتفاقاتی غیرمعمول و نامتعارف را با فضای تاریخی مشاهده نمود، مانند: رعایت نکردن حریم ارتفاعی در مجاورت اماکن تاریخی که باعث مخدوش شدن منظر بنای تاریخی و بافت پیرامونی آن شده است، دخل و تصرفات بیش از حد و حتی تاحدی غیرمنطقی در فضای تاریخی که منجر به از بین رفتن خاطره شهری می‌شود و برپا ساختن یک معماری، بر اندک بقایای تاریخی یک اثر، با عنوان: بازسازی و احیای اثر تاریخی. حقیقت این است که این‌گونه اتفاقات، خاص جهان سوم یا به عبارتی کشورهای در حال توسعه نیست؛ بلکه، در مراکز تاریخی شهرهای توسعه‌یافته نیز کم‌وبیش این مسئله وجود دارد. بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود: چرا باوجود فعالیت و دغدغه‌مندی نظریه‌پردازان بزرگ حفاظت شهری تاریخی از نیمه قرن نوزدهم تا زمان حاضر و همچنین انتشار منشورها، بیانیه‌ها و کنوانسیون‌ها، چنین معضلاتی همچنان تکرار شده و قابل مشاهده است؟ علت نادیده گرفتن اصول حفاظت شهری و ایجاد چالش‌هایی که گاهی تاحد به مخاطره انداختن میراث جهانی پیش می‌روند، کدام است؟ اگر رویکرد توسعه و حفاظت به‌صورت همگام به انجام رسیده، حفاظت چگونه در توسعه دیده شده است؟ و اگر به‌صورت همگام به انجام نرسیده، بی‌توجهی احتمالی به حفاظت طی توسعه چه تأثیراتی به جا گذاشته است؟ این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی بر این‌گونه پرسش‌ها در بستر شهر تاریخی اصفهان به‌عنوان یک مصداق شرقی است. روش پژوهش ترکیبی است؛ شامل روش‌های تاریخی، توصیفی و علی. ابزار مطالعاتی شامل: آرشیوی، کتابخانه‌ای و میدانی است. فرض تحقیق بر این اساس شکل گرفته که، حفاظت و توسعه در کنار هم می‌توانند هویت تاریخی را برای انتقال به آیندگان پاس بدارند. بنابراین، باوجود دشواری بازیابی هویت آسیب‌دیده در فضاهای شهری مانند اصفهان، می‌توان با رعایت دستورالعمل‌هایی مانع از تخریب بیشتر میراث تاریخی بر اثر توسعه ناهماهنگ با حفاظت، در اقدامات آتی شد. به نظر می‌رسد علت موفق نشدن اصفهان در روند توسعه حفاظت‌محور، بی‌توجهی و اهتمام به حفظ کلیت منسجم و یکپارچه و حفظ نشدن ارتباط بین اجزای منظر شهری اصفهان و صرفاً تمرکز بر تک‌بناهای خاص و ثبت میراث است که ریشه در تفکیک حفاظت "بنای تاریخی" از حفاظت "شهر تاریخی" دارد. از طرف دیگر مطالعات در فضای شهرهای تاریخی تأثیرات "نئولیبرالیسم" را در حفاظت باعنوان "حفاظت نئولیبرالیسمی" نشان می‌دهد که با تکیه بر اقتصادی قدرتمند حفاظت میراث تاریخی را در شهرها نیز مانند دیگر مباحث جاری در حیات بشری در دست گرفته است.

کلیدواژگان: اصول حفاظت از منظر و فضای شهری، فضا و منظر شهری اصفهان، توسعه و حفاظت، حفاظت نئولیبرالیسمی.

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی مصوب در معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان: «مبانی نظری و قوانین حفاظت از میراث معماری در فضا و منظر شهر تاریخی از نیمه قرن ۱۹ تا پایان دهه دوم قرن ۲۱» است.

b.pedram@au.ac.ir

** دانشیار، گروه مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

*** پژوهشگر دوره دکتری، مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

مقدمه

مقاله حاضر برگرفته بخشی از یک گفتار از طرح پژوهشی مصوب در معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان با عنوان: «مبانی نظری و قوانین حفاظت از میراث معماری در فضا و منظر شهر تاریخی از نیمه قرن ۱۹ تا پایان دهه دوم قرن ۲۱» است.^۱ در مقاله پیش‌رو به‌طور خاص به اصفهان به‌عنوان یک مصداق شرقی پرداخته شده است،^۲ با این توضیح که مصادیق شرقی و غربی، نه صرفاً در حوزه جغرافیا؛ بلکه، در حوزه فرهنگ هم قابل دسته‌بندی هستند. جدای از سیر تحول شهر اصفهان در ادوار مختلف، آنچه در چند دهه گذشته، به‌خصوص در دو دهه اول قرن بیستم و یکم در فضای شهری رقم خورده، در برخی موارد بسیار چالش‌برانگیز بوده است. با توجه به این‌که هویت تاریخی و خاطره شهری در برخی فضاهای شهری به‌واسطه دخل و تصرف در راستای توسعه شهری تحت تأثیر نفوذ نئولیبرالیسم^۳ به عبارتی تحت رویکرد حفاظت نئولیبرالیسمی^۴ از بین رفته یا آسیب جدی دیده، جریان حفاظت، از دو دهه آخر قرن بیستم تا امروز شاهد بازسازی‌های خیال‌پردازانه^۵ زیادی تحت تأثیر فرهنگ خصوصی‌سازی نئولیبرالیسم بوده است؛ و فضای شهری اصفهان از گزند این جریان در امان نبوده است. این مکتب اقتصادی - سیاسی، برج‌ها را در حریم بافت‌های تاریخی می‌سازد و در مقابل با ترفندی بسیار زیرکانه، به نجات ویرانه‌های تاریخی، از طریق بازسازی خیال‌پردازانه جهت درآمدزایی می‌پردازد و متأسفانه شواهد تاریخی آن‌ها را نابود می‌کند. به بیانی دیگر، خصوصی‌سازی حفاظت میراث، با سیطره نئولیبرالیسم پیش رفته است. بنابراین، نمی‌توان عبارت "حفاظت نئولیبرالیسمی" را در بررسی تاریخ حفاظت، نادیده گرفت. باید به این مسئله نیز توجه کرد که با گذشت زمان، نئولیبرالیسم در حفاظت به دستور زبان خاص خود دست یافته است؛ دستور زبانی که متفاوت از دستور زبان علمی حفاظت از معماری و شهرهای میراثی است؛ دستور زبانی که برای اهداف اقتصادی بخش خصوصی کالیبره شده است. در واقع، دستور زبان تخصصی حفاظت، همان اصول و مبانی حفاظت است - که تحت تأثیر این مکتب اقتصادی و سیاسی دچار هرج و مرج شده و لقب "مبانی مرمت بومی" به آن داده شده است - حال آن‌که صرفاً به دنبال جذب گردشگر بیشتر، از طریق خلق یک زیبایی کاذب است. به همین دلیل است که در حال حاضر، اصالت در شهرهای تاریخی سیمایی دگرگونه یافته است. شروع این نوع رویکردها را می‌توان به رویکرد ویوله لودک متصل

نمود، با این حال، تکامل آن از دهه‌های آخر قرن بیستم شروع شد و همچنان در قرن بیستم و یکم ادامه یافت. مسئله اصلی و وجه آزاردهنده این روند تخریبی، بی‌اعتنایی به رعایت ترفندهای حفاظت از هویت تاریخی در کنار توسعه شهری است. در این پژوهش هدف، آسیب‌شناسی وقایع صورت‌گرفته در جهت تلاش برای جلوگیری از تکرار برخی وقایع ناهنجار و ضد‌هویت در تقابل با توسعه و حفاظت است، البته توجه به این مهم ضرورت دارد؛ کنترل اقتصاد قدرتمند خصوصی‌سازی لیبرالیسمی در حفاظت، احتیاج به حمایت جوامع بین‌المللی دارد. مصادیق موفقی از این حمایت در بسیاری از شهرهای تاریخی مانند شهر تاریخی موستار در بوسنی هرزگوین^۶ قابل بررسی است.

محتوای مقاله، به روند شکل‌گیری کلیت فضا و منظر شهری اصفهان و به دنبال آن، بررسی تحولات ناشی از توسعه با حفاظت حداقلی یا توسعه ناهماهنگ با حفاظت و آسیب‌های جدی وارد شده به هویت تاریخی و خاطره شهری در اصفهان می‌پردازد. با توجه به محتوای پژوهش، روش تحقیق ترکیبی به کار گرفته شده؛ ابتدا با روش تاریخی پیش رفته و سپس با روش‌های توصیفی و علی به انجام رسیده است. ابزار پژوهش نیز مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی است.

مطالعات بستر تاریخی

بررسی روند توسعه و تحول اصفهان

مؤلفه‌های سازنده هویت یک شهر از طریق سه مؤلفه: طبیعی، مصنوع و انسانی شناسایی می‌شوند. برای بررسی هویت هر شهری باید در جهت شناخت صفات اختصاصی و برجسته متغیرها در این مؤلفه‌ها اقدام کرد. اجزای مؤلفه‌های طبیعی از متغیرهایی چون: کوه، دشت، رود، تپه ماهور و نظایر آن‌ها، اجزای مؤلفه‌های مصنوع از متغیرهایی مانند: تک‌بناها، بلوک شهری، محله، راه، خیابان، میدان و نظایر آن‌ها و اجزای مؤلفه‌های انسانی، از متغیرهایی همچون: زبان، دین، سواد، اعتقادات محلی، آداب و رسوم و نظایر آن‌ها برخوردار است (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴). در منطقه اصفهان نیز، سه عامل پایه‌ای برای تکوین شهر: جهان‌بینی، اقتصاد و اقلیم، جایگاهی مطلوب برای گردهمایی یافتند. قرارگیری منطقه در میانه سرزمینی که جهان‌بینی زرتشتی در آن حاکم بود، مسیر دفاعی کوه‌های زاگرس در غرب و کوه‌های البرز در شمال و بیابان در شرق و جنوب قرار داشت، معادله مهم عامل اقتصاد یعنی غارت - دفاع را توازن می‌بخشید و راه‌های اصلی دادوستد را کم‌وبیش امن می‌نمود. همچنین، زاینده‌رود و زمین‌های حاصل‌خیز اطراف آن و آب‌وهوای نسبتاً مطلوب، بوم مناسبی

به رشد خود به سمت رودخانه ادامه داد (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۹۲: ۳۸).

همچنین در دوره صفویه، به علت تمایل شاه‌عباس برای توسعه اصفهان، در جنوب زاینده‌رود، آب و زمین در اختیار ارامنه قرار گرفت. محله جلفا برای ارامنه قطبی جدید از توسعه را در جنوب شهر ایجاد کرد. محله عباس‌آباد امروزی نیز، در فاصله بین شهر و جلفا، به دست تجار تبریزی ایجاد شد و برای ایجاد اتصال بین شمال و جنوب شهر، پل الله وردی‌خان روی زاینده‌رود احداث شد. بدین ترتیب طرح توسعه صفوی، اصفهان را به شهری تبدیل کرد که در دو سمت زاینده‌رود گسترش یافته بود. علاوه بر این‌ها، برای افزودن به ارزش و اهمیت چهارباغ، از بزرگان و ثروتمندان شهر دعوت شد تا در دو طرف چهار باغ به احداث ویلاهای زیبا و سردرهای مجلل، مبادرت ورزند (شکل ۲). در جنوبی‌ترین قسمت که به کوه صفا منتهی می‌شد باغ ملی بزرگی با نام هزارجریب ایجاد شد تا با استفاده عامه از آن بر رونق چهارباغ افزوده شود (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۰۲ و ۲۵۹-۲۵۸). در مجموع با استناد به اینکه شهر اصفهان، دو دوره پایتختی تأثیرگذار را پشت سر

را فراهم می‌آورد. شکل‌گیری شهر در چنین شرایطی امری قطعی بود (حبیبی و اهری، ۱۳۹۱: ۱۸).

تا زمان ساسانیان، مدارکی دال بر وجود شهری در محل فعلی شهر اصفهان وجود ندارد و منابع موجود از وجود "جی" و اهمیت آن حکایت می‌کنند. اصفهان در دوره ساسانیان به صورت دژی محکم، محل تجمع سپاهیان بوده است. چنان که در کتاب "اخبار اصفهان" از "حافظ ابونعیم" ذکر شده، این شهر تا قبل از دوره اسلامی، مسکونی نبود، بلکه قلعه‌ای بود برای اهالی روستاهای پیرامون جی و مردم در شهر "قه" زندگی می‌کردند. با گشوده شدن ایران به وسیله مسلمانان، اعراب شهر "قه" را خراب کردند و اهالی آنجا به "جی" کوچ کردند. "یهودیه" نیز که مبدأ رشد شهر اصفهان کنونی است، در دوره ساسانیان دهکده کوچکی بود (همان: ۱۹). از آغاز دوره اسلامی تا حدود ۱۵۰ ه.ق، اصفهان از دو هسته اولیه: "جی" و "یهودیه" تشکیل می‌شد که این دو منطقه نیز با روستاهای اطراف خود احاطه می‌شدند (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۹۲: ۳۶)، (شکل ۱). با این حال، آغاز شکل‌گیری فضاهای اصلی شهری در اصفهان را می‌توان در دوره سلجوقی مشاهده کرد، از جمله: تأسیس مراکز اصلی سکونت و ساخت مسجد جامع در شمال اصفهان که تنها فضای عمومی شهر محسوب می‌شد. اصفهان در عهد سلجوقی دارای بافت و ساختاری منسجم و مرکزی بوده و فضاهای اصلی و بافت سکونتی و حکومتی آن، پیرامون میدان عتیق و مسجد جامع قرار داشته‌اند. بنابراین مهم‌ترین فضاهای شهری در عهد سلجوقی، میدان و محورهای ارتباطی و بازار بوده است (Azarm, Ghalani & Ranjbar, 2017: 748&751).

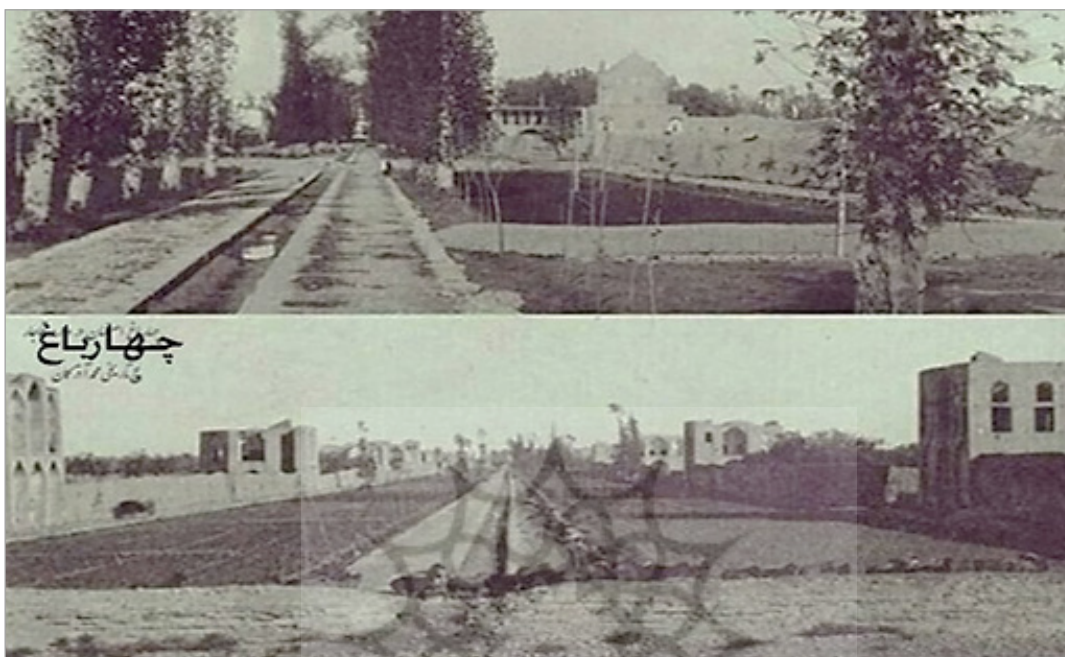
در حقیقت، بیشتر عمران و آبادانی در بخش شمالی شهر و در محدوده میدان کهنه در دوره ملک‌شاه بود و پس از آن در دوره دیگر پادشاهان سلجوقی تغییراتی ایجاد نشد. به طور خلاصه بازار اصفهان با مجموعه شهری‌اش، یعنی میدان کهنه و مسجد جامع، ساختار شهر را در این دوره پدید آورد. پس از آن با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت ایران در حضور دولت قدرتمند صفویه، ساختار اصلی اصفهان شکل گرفت. در این دوره، ایجاد محور تفرجگاهی چهارباغ، ایجاد میدان نقش جهان و اتصال آن به میدان کهنه توسط راسته بازار، از مهم‌ترین اقدامات در فضاهای شهری بود.^۷ ساخت میدان حکومتی - تشریفاتی نقش جهان سبب شد تا توسعه‌های آتی شهر به این سمت و پس از آن به سمت باغ‌های هزارجریب در آن سوی رودخانه کشیده شود (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴). بنابراین در دوره صفوی، مسیر توسعه و رشد افقی شهر تغییر کرد، اما مرکز خطی و اصلی، شمالی - جنوبی چهارباغ،



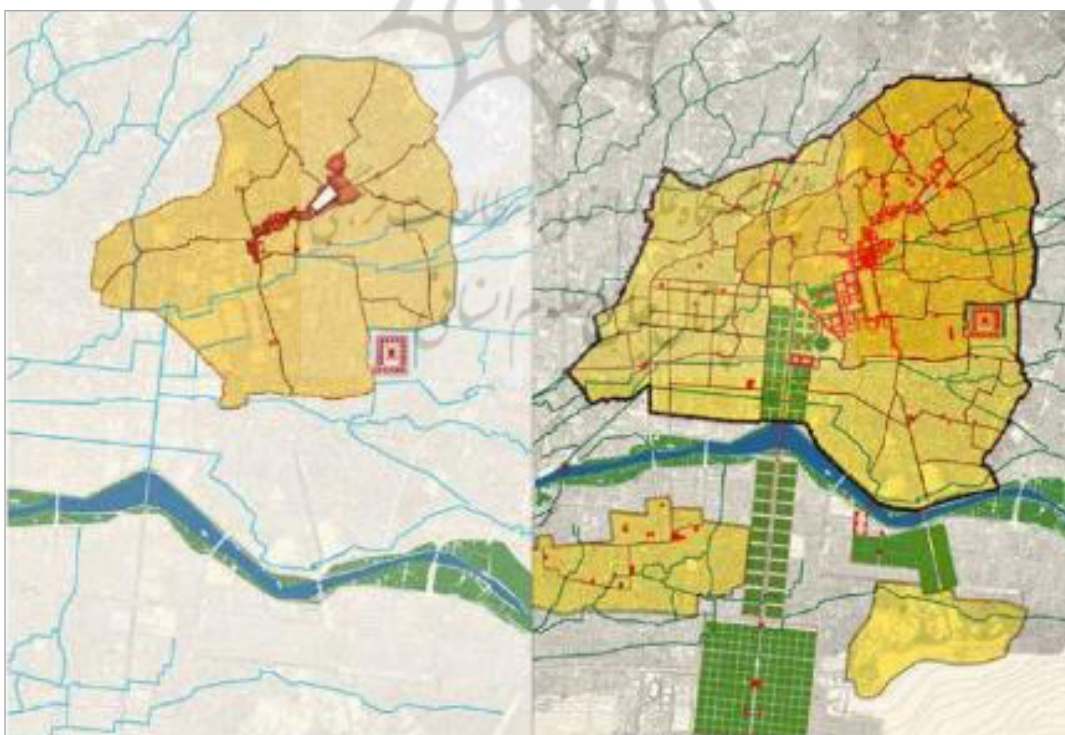
شکل ۱. طرح شهر اصفهان، ایران در سده‌های ششم و یازدهم ه.ق. (URL)

شهری دوره صفوی را هندسی و طراحی شده قلمداد می‌کنند. در حقیقت در طرح صفوی، شهر اصفهان بر اساس هندسه راست گوشه در کنار شهری قدیمی و ارگانیک، سازماندهی شده است (کیانی ده‌کیانی، ۱۳۹۴: ۸)، (شکل ۳).

گذاشته، برخی محققان، دو گونه سازمان فضایی و دو گونه هندسه را در روند توسعه اصفهان قابل بررسی می‌دانند، بدین صورت که ساخت‌وسازهای شهری تا پیش از صفویه را ارگانیک و بدون طراحی از پیش اندیشیده‌شده و تحولات



شکل ۲. خیابان چهارباغ و سردر باغ‌ها در دو طرف خیابان (URL₂)



شکل ۳. الگوی فضایی و ریخت‌شناسی اصفهان در زمان سلجوقیان (سمت چپ) و در زمان شاه‌عباس اول، پادشاه صفوی (سمت راست). جدای از گسترش‌های آن سوی رودخانه که به‌دست وی برای مهاجران ارمنی شکل گرفت، توسعه شهر جدید در ارتباط نزدیک با هسته قدیمی طراحی شد (Arjomand Kermani, 2016:39; Image by Caroline Mawer)

ورودی جنوبی شهر، دروازه شیراز، پیوند می‌دهد (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۲: ب: ۳۴). محور بازار و چهارباغ در واقع، از نظر بسیاری محققان، ساختار اصلی شهر اصفهان و قلب تپنده شهر را تشکیل می‌دهد و با شبکه‌ای از دسترسی‌های بسیار منظم، تمام عناصر شهری و جریانات زندگی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی را به‌نحوی در بر گرفته است. بدین ترتیب، مجموعه میدان، مسجد جامع، و کاخ (عالی‌قاپو)، در محور بازار، ستون فقرات شهر اصفهان را تشکیل می‌دهد. ستون فقرات شهر در واقع، شبکه‌ای درهم‌تنیده از دسترسی‌هاست که کلیه عناصر و مجموعه‌های شهری را به همدیگر پیوند داده، و بر اساس سلسله‌مراتب خاصی از تقسیمات شهری، در مجموعه شهر اصفهان تا انتهایی‌ترین نقاط شهری امتداد می‌یابد (شفقی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

بدین ترتیب محور چهارباغ، توسعه شهر را به سمت جنوب رودخانه هدایت کرده است. در واقع، به اتکای یک طرح توسعه شهری بزرگ در عهد صفوی، در شهر اصفهان یک سازمان فضایی و کالبدی یادمانی و محوریت تشریفاتی ایجاد شده که تا به امروز نیز ارزش‌های پایدار خود را حفظ کرده و قابلیت آن را دارد تا به اتکای آن، توسعه شهری امروزی نیز سازمان داده شود. به همین ترتیب است که اهم عناصر ارزشمند تاریخی و طبیعی اصفهان که شامل بناهای یادمانی مانند: مساجد، مدارس، کاخ‌ها، باغ‌ها، پل‌ها، میداين و خیابان‌ها (فضاهای عمومی)، بازار، رودخانه و شبکه مادی‌ها می‌شود، در محدوده محورهای اصلی و استخوان‌بندی مرکزی شهر اصفهان قرار گرفته‌اند (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۲: ب: ۱۸ و ۳۴)، (شکل‌های ۴ و ۵) و یا دید

در دوره قاجار، فضای شهری جدید گسترش چندانی نداشت، مواردی مانند خیابان چهارباغ صدر افزوده شد، اما شهر بیشتر در مقیاس معماری و خانه‌های سنتی پیش رفت. در دوره پهلوی ورود مظاهر و تأثیرات مدرنیته در ایران چون حضور اتومبیل، سبب شد در اصفهان خیابان‌کشی‌ها آغاز شود. از بارزترین تغییرات در ساختار و فضاهای شهری، خیابان عبدالرزاق بوده که بازار و میدان کهنه را قطع کرده است و بدین ترتیب در این دوره تحولات این منطقه شروع شد. روند توسعه شهر به سمت جنوب اصفهان پیش رفت و محور چهارباغ نیز به سمت شمال شهر کشیده شد و ساخت کارخانجات و به‌طور کلی فضاهای صنعتی در شهر آغاز شد؛ و در این دوره بود که اصفهان با تحولات صنعتی روبه‌رو شد. این روند توسعه تا انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش. ادامه داشت. در دوران جنگ ایران و عراق تحولی در ساختار شهر ایجاد نشد؛ اما از دهه ۷۰ به بعد که دوره سازندگی نام گرفت، اصلاحات و توسعه شهر آغاز شد (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵-۳۴).

به‌طور کلی، برای تحلیل ساختار شهری اصفهان با استناد به روند توسعه تاریخی که بیان شد، توجه به این موضوع ضروری است که استخوان‌بندی مرکز تاریخی و اساساً شهر اصفهان، باوجود گذشت بیش از چهارصد سال، هنوز بر دو محور عمود برهم: چهارباغ و زاینده‌رود اتکا دارد. محور بازار و چهارباغ به مثابه عناصر کلیدی ساختاری در سازمان فضایی این شهر نقشی ویژه و منحصر به فرد دارند. این محور از میدان عتیق در مرکز اصفهان سلجوقی آغاز می‌شود و با اتصال به میدان نقش جهان به ارگ صفوی (ارگ جهان‌نما) می‌رسد و دروازه دولت را به



شکل ۴. روند تغییرات ساختاری محدوده‌های شهری اصفهان در دوره‌های مختلف (Azarm, Ghalani & Ranjbar, 2017: 748)

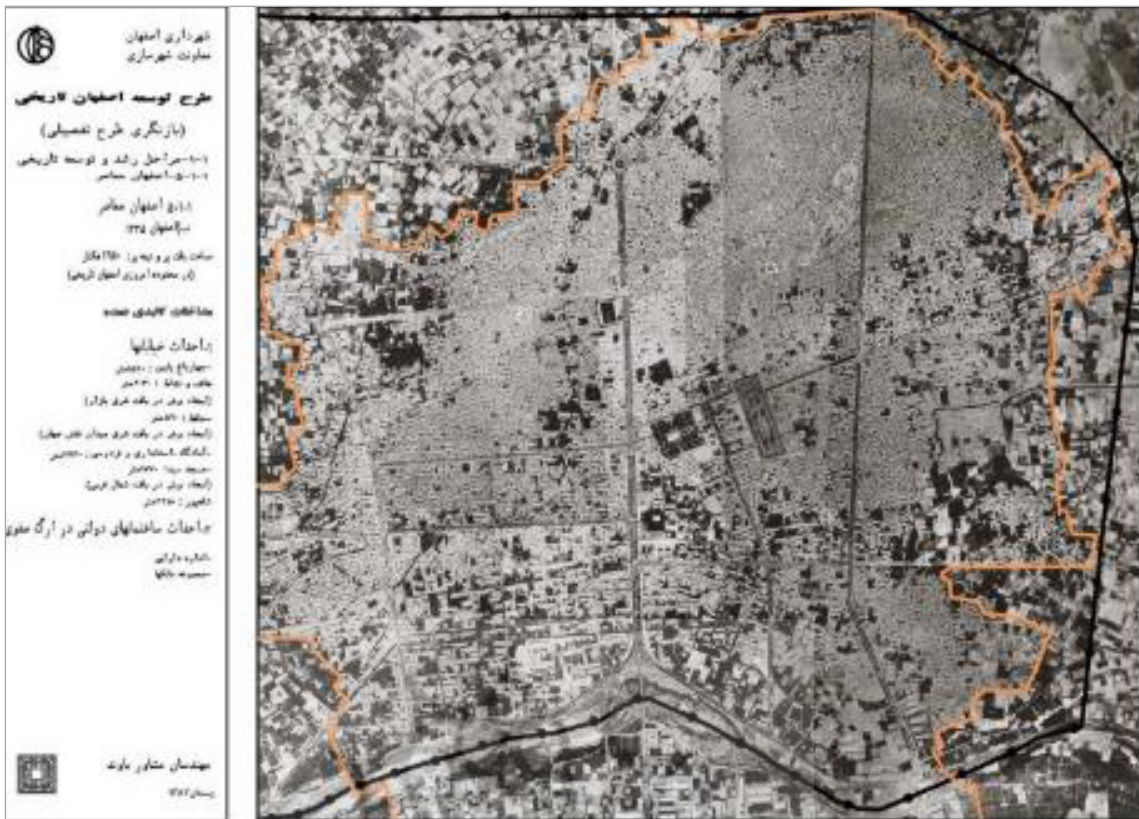
و دسترسی اصلی به آن‌ها از طریق این محور تأمین می‌شود؛ همچون دید به منظر کوه به‌عنوان عناصر منظر شهری که شاخص‌ترین آن کوه صفا است.

بنابراین با توجه به تحلیل‌های تاریخی و تفسیری از روند دگرگونی فضاهای شهری اصفهان از ابتدای شکل‌گیری جدی شهر تا کنون، چنین دریافت می‌شود که روند تحولات فضاهای شهری اساساً متمرکز بر توسعه شهری با توجه و احترام به توسعه‌های قبلی و مراکز مهم شهری بوده است. این روند حتی تا دوره پهلوی نیز ادامه داشت اما به شکلی دیگر؛ و با احداث محورهای خدماتی و اتصال آن‌ها به ستون فقرات اصلی شهر، سعی در حفظ ساختار کلی آن شده است. پس از انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش. (از دهه ۷۰ به بعد) روند تغییرات به‌گونه‌ای دیگر به‌صورت پراکنده در نقاط مختلف شکل گرفت. درحالی‌که در فرایند دگرگونی شهری، باید، کلیه ارزش‌ها و ویژگی‌های یک شهر همچون: بافت‌های قدیم و جدید در یک سیستم پیوسته، دچار تغییر شوند، اصفهان نوع دیگری از تغییرات را در چند دهه اخیر تجربه کرد. به‌نحوی که توسعه‌های درونی و متمرکز بر بافت‌های تاریخی در اصفهان، با تأکید بر تسهیل زندگی شهری و اقدام به ساخت‌وسازهای جدید غیرهمگن

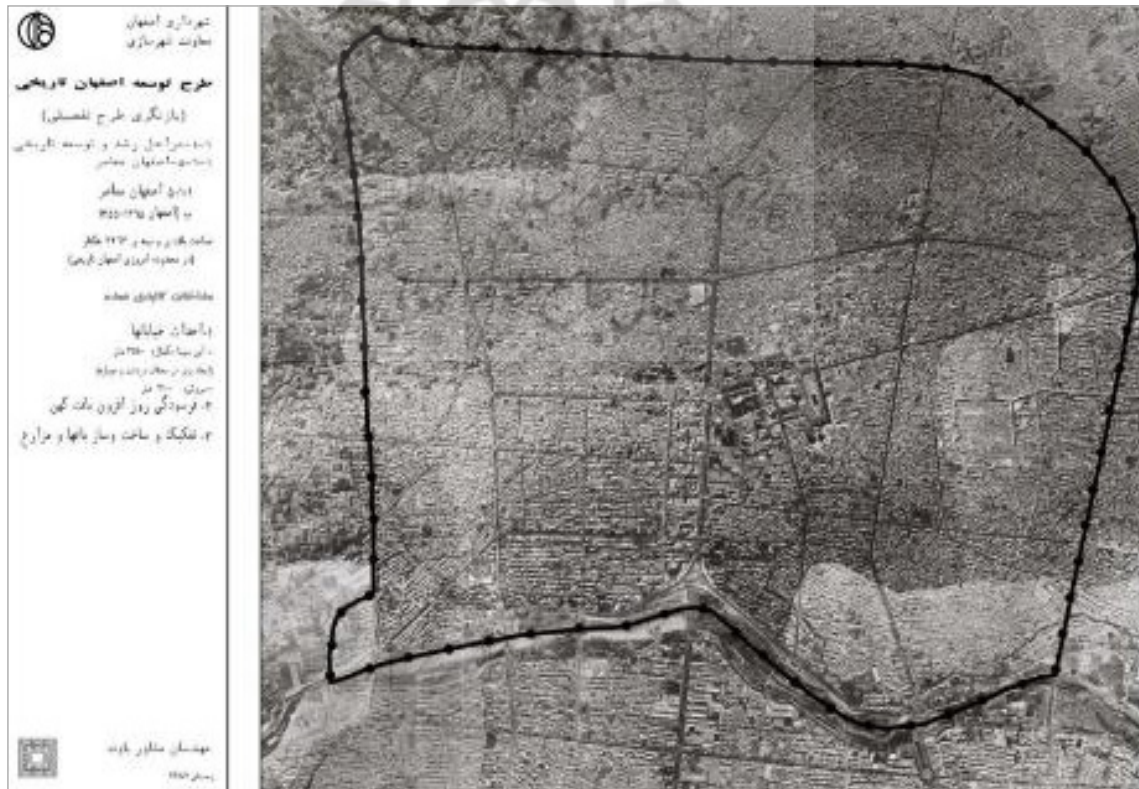
با فضاهای تاریخی، منجر به ایجاد محورهای نوین خدماتی پر رفت‌وآمد، افزایش اعیانی و کاهش عرصه‌ها و فضاهای باز شهری در بافت‌های تاریخی منطقه مرکزی شده است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۶)، (شکل‌های ۶ و ۷). البته نمی‌توان منکر این شد که باوجود پذیرش حضور و لزوم حفظ عناصر ارزشمند تاریخی و طبیعی بسیار در اصفهان، این شهر ناگزیر باید مهبلی پذیرش فعالیت‌ها و زندگی امروزی شود. چراکه بدون آمادگی شهر برای فعالیت‌های امروزی، رکود و فرسودگی با آهنگی سریع‌تر بافت و عناصر بارزش آن را با زوال روبه‌رو خواهد کرد. با این حال باید همواره در روند برنامه‌ریزی و پیشبرد توسعه و حفاظت، با احترام به ویژگی‌ها و مزیت‌های خاص شهرهای تاریخی و با شناخت و بهره‌گیری درست از آن‌ها، برای پیشبرد هماهنگ روند حفاظت و توسعه تلاش کرد. از جمله این مزیت‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود:^۱ حضور کارکردهای گوناگون شهری در کنار هم، برخلاف منطقه‌بندی کارکردی بخش‌های مدرن؛ وجود یادمان‌ها و فضاهای هویت‌بخش قوی، به‌عکس نشانه‌های شهری غول‌آسا و بی‌هویت در توسعه‌های جدید؛ و بافت شهری متنوع و سیمای شهری جذاب در تقابل با فضاهای شهری



شکل ۵. نقشه شهر اصفهان در زمان امپراتوری صفویان (قرن شانزدهم تا هفدهم) (URL3)



شکل ۶. مراحل رشد و توسعه تاریخی، اصفهان معاصر (۱۳۳۵)، (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۲ الف: ۳۵)



شکل ۷. مراحل رشد و توسعه تاریخی، اصفهان معاصر (۱۳۶۵-۱۳۵۵)، (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۲ الف: ۴۳)

یکنواخت و محیط کسالت‌آور بافت‌های شطرنجی (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۲ ب: ۳۴).

تحولات در دهه‌های اخیر

در دهه‌های اخیر نگاهی متفاوت مبنی بر بازآفرینی در کشور و شهر اصفهان پدیدار شده که نمود آن بیشتر به صورت کالبدی در احیای ساختار اصفهان تاریخی شکل گرفته است. از جمله این نوع اقدامات: بهسازی‌های کالبدی محور چهارباغ، بدنه‌سازی آن و ایجاد خیابان گلدسته در بافت مرکزی به موازات خیابان چهارباغ جهت تسهیل ترافیکی بوده است. همچنین نمونه‌ای دیگر از اقدامات مبتنی بر این رویکرد، احیای کالبدی میدان عتیق (کهنه) به منظور ایجاد فضاهای باز شهری بوده که در پی حجم وسیعی از تخریب بافت قبلی خود، فضای شهری جدیدی را ایجاد کرده و سبب بروز تغییر و تحولات در ساختار شهر و محلات پیرامونی خود شده است. اما، به دلیل پایین بودن کیفیت، فضا حضورپذیری و سرزندگی پایینی دارد و عملاً با ماهیت و جریان‌های کلی شهر همخوانی ندارد و در وضعیت موجود، تنها حجم بزرگی از فضای پیاده را ایجاد کرده است. در تقابل با این فضا، ماهیت متفاوت محله جلفا را در جنوب شهر شاهد هستیم؛ محله‌ای با کیفیت مناسب که در آن پتانسیل‌های ارزشمند بافت به کار رفته و جمع این عوامل سبب شده تا این محله در مقیاس شهر نقش آفرینی کند. علاوه بر روند توسعه درون‌زا و احیای مراکز تاریخی در بخش مرکزی، روند توسعه برون‌زا در اصفهان نیز، قابل بررسی است که منجر به ایجاد فضاهای شهری جدیدی، اغلب با رویکردهای اقتصادی و تجاری و تفریحی در بیرون از محدوده

مرکزی تاریخی اصفهان شده است. ساخت آکواریوم ناژوان، مجموعه بزرگ سیتی سنتر اصفهان، مجموعه تفریحی کوه صفا و مرکز همایش‌های بین‌المللی، نمونه‌هایی از تغییرات کلان‌شهری با رویکردهای جذب گردشگر و تولید اقتصاد پویا هستند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸).

توجه به این نکته لازم است که اقداماتی مانند فضا سازی میدان عتیق (میدان کهنه) را می‌توان به عنوان یک برخورد نه‌چندان علمی با معماری و منظر شهر تاریخی دانست. مقایسه وضعیت میدان قبل و بعد از این اقدامات، خود گویای حقیقت است. از سویی جهت احیای میدان کهنه به دسترسی‌ها و ترافیک شهری توجه ویژه‌ای شده اما برای ایجاد آن، روند شکل‌گیری تاریخی و خاطره شهری فدا شده است. در نتیجه واضح است، از طرحی که مردم در آن نقشی نداشته‌اند و سیر تحول تاریخی یک بافت در آن دیده نشده است، اقبال نشود. تخریب بافت در چنین سطحی در پاریس نیمه قرن نوزدهم رخ داد، و بیش از یک قرن و نیم بعد در دهه‌های آغازین قرن بیستم و یک در یک شهر تاریخی شرقی در آسیای غربی شاهد چنین فاجعه‌ای در برخورد با تاریخ هستیم. موفق نشدن طرح مذکور را به‌طور خلاصه می‌توان به این شکل بیان نمود: عدم مشارکت اجتماعی در طراحی و اجرای پروژه؛ نابودی بافت تاریخی؛ نابودی شواهد گسترده باستان‌شناسی؛ نارضایتی و ناخشنودی ساکنین از پروژه؛ حس تعلق نداشتن ساکنین و بازدیدکنندگان به آنجا؛ و جایگزین نشدن مشاغل سابق (شکل‌های ۸، ۹ و ۱۰)؛ اما عکس این اتفاق در جریان حفاظت از بافت تاریخی شهر موستار، در



شکل ۹. میدان کهنه پس از اتمام احیا در سال ۱۳۹۳ طرح احیای میدان کهنه (URL4)



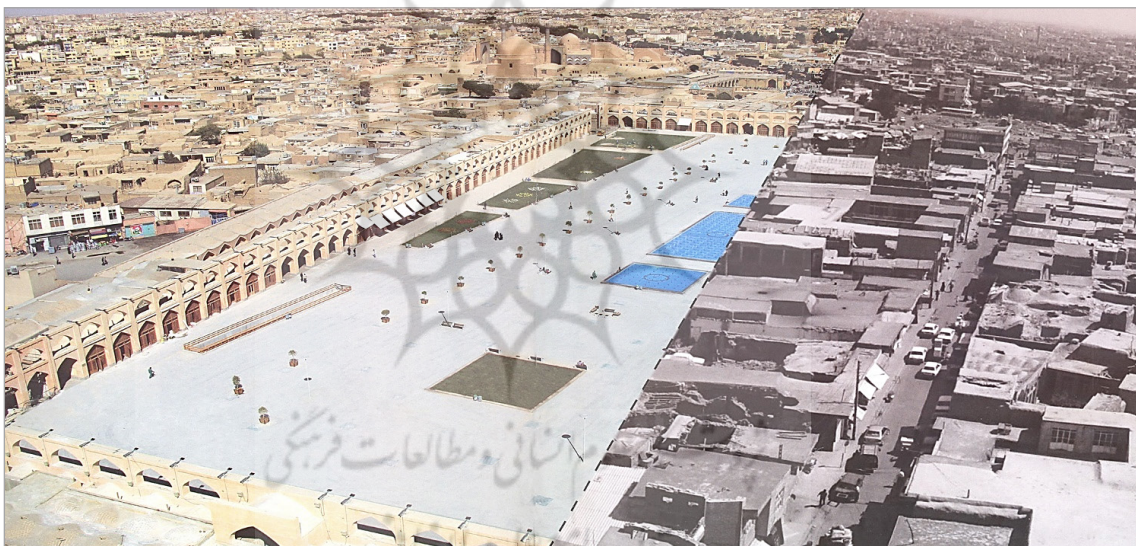
شکل ۸. میدان کهنه قبل از شروع عملیات احیا در سال ۱۳۸۸ طرح احیای میدان کهنه (URL4)

هویتی و خاطره شهری در این فضا نیست. از طرف دیگر، سنگ‌فرش اجرا شده در پیاده‌راه چهارباغ، بدون مطالعه کافی بر روی اسناد و رعایت نکردن شأن تاریخی فضا صورت گرفته است. سنگ‌فرشی با چنین ابعاد و فرم، بیشتر نیت حرکت سواره را تأمین نموده است مانند سهولت در حرکت وسایل نقلیه مرتبط با هتل‌ها و ابزار تفنن برای گردشگران و همچنین پیست اسکیت و دوچرخه‌سواری! (شکل‌های ۱۱ و ۱۲)

در میان فعالیت‌های یونسکو برای حفظ، نگهداری، تعمیر، مرمت و ثبت جهانی ارزش‌های میراثی اصفهان، گزارش اقدامات یونسکو درباره میدان نقش جهان به سبب نقش و اهمیت انکارنشدنی این مجموعه در مقیاس شهری و منظر شهری تاریخی اصفهان، قابل بررسی است.^{۱۰} در این گزارش بیان شده است: «این میدان در میانه بافت تاریخی اصفهان و در محور تاریخی- فرهنگی خود قرار گرفته است، به همین

بوسنی هرزگوین که آن هم شرقی بود (اما بخشی از اروپای شرقی)، به وقوع پیوست، چراکه نگاه مدیریتی به پروژه، یک نگاه کارشناسانه با توجه به زیست‌بوم و اولویت مشارکت اجتماعی و نظرات ساکنین بومی بر تأمین منافع اقتصادی بوده است»^۹ (Aga Khan Trust for Culture, 2004)، (شکل‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰، پی‌نوشت ۹).

احیای خیابان چهارباغ عباسی در سال‌های اخیر نیز، مانند احیای میدان کهنه، نمونه‌ای از اقداماتی است که منجر به از میان رفتن لایه‌های باستان‌شناسی بخش مهمی از بافت تاریخی، از بین رفتن روح مکان و لطمه دیدن خاطره شهری شد. با وجود دسترسی به مستندات کافی از بدنه‌سازی‌های چهارباغ عباسی در دوره‌های صفویه و قاجاریه، الحاقاتی مانند درگاه ورودی باغ هشت‌بهشت در بدنه شرقی چهارباغ عباسی به اجرا درآمده است، که به هیچ‌وجه، بیان‌کننده ارزش‌های



شکل ۱۰. تصویر ترکیبی میدان کهنه از وضعیت قبل و بعد از احیا (طرح احیای میدان کهنه) (URL4)



شکل ۱۲. سردر امروزی باغ هشت‌بهشت (۱۴۰۱ ه.ش). (URL5)



شکل ۱۱. سردر قاجاری باغ هشت‌بهشت (وبسایت دانشگاه منچستر ۲۰۲۱)

دلیل همواره حاشیه‌ای از کشمکش‌های توسعه‌ای دووجهی در اصفهان بوده است. از آنجایی که هیچ مرز مشخصی برای این مجموعه تعریف نشده بود که با سیاست‌های جاری کنوانسیون میراث جهانی سازگار باشد، سیستم مدیریت همواره دغدغه حفظ یکپارچگی و اصالت آن را در برابر سرعت فزاینده توسعه در شهر داشته است. خوشبختانه دو مورد از اختلافات اصلی میدان نقش جهان اصفهان یعنی برج جهان نما و خط ۲ متری شهر اصفهان حل شده است: اولی با کاهش ارتفاع و دومی با تغییر مسیر» (UNESCO, 2016). و مورد دیگر، ممانعت از ادامه تخریب بافت شرقی میدان در پشت مسجد شیخ لطف‌الله است، هرچند دیر هنگام بود و بسیاری از ابنیه در حریم اثر ثبت جهانی، ویران شده بود. توجه به این نکته در بررسی روند حفاظت شهرهای تاریخی ضروری است که، این گونه وقایع و ناهنجاری‌ها در شهرهای تاریخی، به‌طور مستقیم تحت تأثیر ثروت نهفته در پروژه‌های اجرایی خصوصی‌سازی که تحت پوشش فرهنگ نئولیبرالیسم شکل گرفته، رخ می‌دهد. در ادامه گزارش اقدامات یونسکو درباره میدان نقش جهان چنین بیان شده هرچند میدان نقش جهان به‌عنوان یک اثر تاریخی از دوران باشکوه صفویه در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است، اما در چند دهه گذشته، ترافیک سنگین

در اطراف میدان، می‌توانست آن را به یک پارکینگ بزرگ شبیه کند، تا یک پدیده تاریخی و شهری میراث جهانی. این شرایط مناسب وضعیت یک بنای تاریخی در کلاس میراث جهانی نبود، بنابراین یک پروژه سازماندهی مجدد با تصمیم مقامات مسئول ایجاد شد.^{۱۱} در ۱۰ سال بین دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی، فعالیت‌های مثبتی برای محدود کردن دسترسی وسایل نقلیه موتوری به میدان نقش جهان در مقایسه با دوران پهلوی انجام شد. اما حتی حرکت محدود وسایل نقلیه موتوری در قسمت شمالی میدان، مشکلات متعددی را در فضای باز میدان از جمله به هم ریختن فضا، منظره و آلودگی صوتی ایجاد کرد. این نابسامانی‌ها باعث شد تا شورای عالی مدیریت ترافیک استان اصفهان در ۲۲ اسفند ۱۳۹۲ ه.ش. طرح دسترسی محدود برای هر نوع وسیله نقلیه موتوری را به میدان نقش جهان تصویب کند. مصوبه سنگ‌فرش نمودن میدان در قسمت‌های آسفالت‌شده را مسئولان در سال ۱۳۹۴ ه.ش. اجرا کردند. بدین ترتیب پس از حدود ۸۰ سال، وضعیت ترافیکی نقش جهان به شرایط قبلی خود در اوایل دوران پهلوی اول و قبل از آن بازگشت. بعد از آن هم، منظر میدان از سایر عناصر مزاحم مانند ایستگاه‌های اتوبوس، علائم راهنمایی و رانندگی،



شکل ۱۳. میدان نقش جهان اصفهان (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران) (URL6)

و آسایش ساکنین و گردشگران و رفع مزاحمت و آلودگی و وسایل نقلیه، تأمین دسترسی‌های ضروری و برنامه‌ریزی شده سواره و تأمین پارکینگ مناسب، اقدامات آموزشی و افزایش آگاهی، مشارکت مسئولین، مردم، ذی‌نفعان و متخصصان، و پایش و نظارت مداوم برای ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی، میراثی و غیره. همه این مجموعه اقدامات همراه با نظارت و ارزیابی با رویکرد حفظ انسجام و کلیت یکپارچه مجموعه تاریخی صورت می‌گیرد. تلاش می‌شود آسیب‌های وارد شده تا حد امکان جبران و از آسیب‌های احتمالی آینده جلوگیری شود. بنابراین، توجه به این مهم ضروری است که مسئله اصلی، ثبت مجموعه‌های دارای ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و تاریخی در فهرست میراث جهانی نیست؛ بلکه، حفظ، احیا و در مقیاس کلی‌تر حفاظت کلیت یکپارچه آن‌ها در مقیاس شهر تاریخی، طبق اصول و قواعد حفاظتی، با رویکرد جامعی که حفاظت و توسعه را توأمان می‌بیند، دغدغه اصلی است.

موانع فلزی و غیره پاک‌سازی شد (UNESCO, 2016) (شکل‌های ۱۳ تا ۱۷).

بر اساس گزارش یونسکو از اقدامات و برنامه‌ریزی حفاظتی میدان نقش جهان اصفهان، و البته بر اساس گزارش‌های مشابه از محدوده‌های تاریخی حفاظت‌شده در سایر شهرها، می‌توان به یک‌سری اصول مشترک حفاظت و برنامه‌ریزی و اقدامات مرتبط با آن‌ها پی برد. اقداماتی مانند: شناخت صحیح و مستندنگاری، استحکام‌بخشی، حفظ و مرمت از ساختارهای اساسی تا جزئیات و تزئینات، احیا و ساماندهی کالبدی و عملکردی مجموعه‌های تاریخی، بازسازی و اصلاح پوشش کف با اولویت سنگ‌فرش متناسب با فضا و ترجیح آن نسبت به پوشش آسفالت، ساماندهی نورپردازی، نصب و تنظیم علائم راهنما، تمهیدات حفاظتی به‌صورت موانع فیزیکی، دوربین‌ها و نگهبانان، اصلاح و برنامه‌ریزی سیستم ارتباطی (ورودی، مسیر و خروجی) با اولویت دسترسی پیاده



شکل‌های ۱۴ و ۱۵. وضعیت قبلی میدان در دهه ۸۰ که ورود خودرو و پارک در محوطه آن مجاز بود (آرشيو اداره ميراث فرهنگي)



شکل ۱۶. راست: روکش آسفالت میدان و وضعیت آن در جبهه شمالی قبل از ساماندهی سایت (آرشيو پایگاه ميراث جهانی میدان نقش جهان)

شکل ۱۷. چپ: سنگ‌فرش اجراشده پس از ساماندهی در جبهه شمالی (آرشيو پایگاه ميراث جهانی میدان نقش جهان)

انتخاب نوع سنگ‌فرش برای ساماندهی چندان متناسب با تاریخ و کاربری نیست؛ چنین سنگ‌فرشی نمی‌تواند حافظ ارزش‌های منظر تاریخی میدانی منحصر به فرد باشد.

در نهایت با استناد به مجموعه پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون روند توسعه تاریخی اصفهان و بررسی شرایط موجود، می‌توان ویژگی‌ها، ارزش‌ها و عناصر شاخص طبیعی، فرهنگی و تاریخی اصفهان را بدین شکل خلاصه کرد: بستر دشت با شیب کم که محل استقرار و توسعه اصفهان است؛ رودخانه زاینده‌رود و مادی‌ها و به‌طور کلی سیستم آبرسانی و آبیاری که شامل چاه و قنات هم می‌شده ولی بروز و ادراک زاینده‌رود و مادی‌ها پررنگ‌تر است؛ کوه‌ها با تأثیر نشانه‌ای، جهت‌یابی، تعریف حریم و محدوده به‌علاوه نظرگاه از عناصر شاخص منظری در اصفهان هستند به‌ویژه کوه صفه؛ سبزی‌نگی و مجموعه باغات و کشاورزی که باوجود کم‌آبی و آلودگی آب‌وهوا در معرض خطر است، ولی همچنان بخش مهمی از هویت فرهنگی و ساختاری اصفهان محسوب می‌شوند؛ بناها و مجموعه‌های تاریخی مانند: مساجد، مدرسه‌ها، کلیساها، مقبره‌ها، حمام‌ها، بازار و خانه‌ها. پل‌ها؛ راه‌ها، گذرها، کوچه‌ها و میادین؛ و علاوه بر این‌ها تنوع و سازگاری قومیت‌ها و مذاهب. نکته‌ای که از بررسی تاریخی نحوه استقرار و گسترش شهر اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر ایران حاصل می‌شود این‌که استقرار اولیه شهرها و جهت و مدل رشد و توسعه‌شان وابستگی زیادی به امکانات محیطی و رشد دانش بومی و نحوه تعامل انسان با محیط‌زیست داشته است. به‌نحوی که این تعامل یک‌سویه جهت بهره‌گیری یک‌طرفه از محیط توسط انسان نبوده بلکه بر مبنای سازگاری و برنامه‌ریزی ارتباط و زیست طولانی‌مدت در تعامل مثبت با محیط پایه‌ریزی شده است. با این حال نکته منفی درباره توسعه معاصر شهرهایی مانند اصفهان، از یک طرف بی‌توجهی به پتانسیل‌ها و محدودیت‌های طبیعی و میراثی محیط‌زیست و بستر شهر

و با آسیب‌رسانی و بهره‌گیری یک‌سویه و بازگشت‌ناپذیر از آن است، و از طرف دیگر بی‌توجهی به توسعه‌های قبلی و عدم مشارکت مردمی و به جای آن برنامه‌ریزی و اقدام با رویکرد از بالا به پایین است. پیدایش و توسعه اولیه اصفهان بر پایه قابلیت‌های طبیعی و فرهنگی بستر دشت گسترده اصفهان صورت گرفته است. بافت ارگانیک اصفهان با احترام و بر مبنای بهره‌مندی و تعامل با همین ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی و به‌واسطه مشارکت مردم شکل گرفته است. در دوره‌های بعدی نیز، به‌طور ویژه دوره صفویه، باوجود طرح‌ریزی و اقدام حکومتی و از بالا به پایین، همواره با احترام و حفظ ارتباط با توسعه‌های قبلی، بهره‌مندی از مشارکت مردمی نیز، از طریق تشویق و ارائه تسهیلات به گروه‌های مختلف مردم و اقوام مختلف، جهت پیشبرد توسعه شهری ضمن تقویت سرزندگی مبتنی بر بستر فرهنگی، تأمین شده است. بنابراین زمانی که در مورد شهرهای تاریخی، از چالش توسعه حفاظت‌محور صحبت می‌کنیم، هم باید سابقه تعامل سازگار و دوسویه را با محیط‌زیست بر پایه شناخت و دانش بومی در نظر بگیریم و هم نقش مشارکت مردمی و رویکردهای پایین به بالا را. در حقیقت برای نزدیک شدن به تحقق توسعه حفاظت‌محور و همراهی دو پدیده: توسعه و حفاظت در بستر شهرهای تاریخی، شناخت عوامل مؤثر طبیعی، فرهنگی و تاریخی که در یک چرخه پایدار و سازگار، ارزش‌های منحصر به هر بستر را پدید آورده و حفظ نموده و از طرف دیگر آگاهی از تأثیرات منفی جریان نئولیبرالیستی که کسب منافع اقتصادی را در اولویت ارزش‌ها قرار داده و انواع سرپوش‌های فریبنده را جهت پیشبرد اهداف خود به کار می‌برد، ضروری است.

نتیجه‌گیری

باوجود تلاش‌های مؤسسات و مجامع بین‌المللی برای حفاظت از میراث تاریخی شهرها، نئولیبرالیسم (نظام سرمایه‌داری خصوصی‌سازی) فضای شهرهای تاریخی را نیز درنوردیدند و با مجوز یا بدون مجوز اقدام به ساخت‌وسازهای نامتناسب و تأثیرگذار بر مناظر تاریخی شهرها نمود. این فاجعه تاریخی خاص شرق و جهان سوم و یا کشورهای درحال توسعه نبوده؛ بلکه، در مراکز تاریخی شهرهای کشورهای توسعه‌یافته نیز به وقوع پیوسته است.

تغییر سریع و نوگرایی شهری دهه‌های اخیر در شهرهای تاریخی، باعث سردرگمی و اغتشاش ذهنی مردم شهر و مدیریت شهری گردیده است. از دست دادن پیوستگی مناظر شهری تاریخی، قرائت، درک شهر، خاطره شهری و روابط آن را دشوار و ارتباط بصری با هویت شهری تاریخی را برای نسل‌های آینده دشوار می‌سازد. درحالی که، حفاظت حقیقی به‌دنبال تفسیر روابط معنی‌دار میان نسل‌ها و هویت‌مندی است که از طریق پیوستگی مناظر یادشده به دست می‌آید. تردیدی نیست که با حفاظت از تمامیت و درک مفهوم پیوستگی مناظر تاریخی و طراحی‌های جدید

همساز شهری و احترام به انباشت‌های فرهنگی، می‌توان در تداوم لایه‌های شهری پیشین گام برداشت و ضمن حفظ انسجام شهری، امکان دستیابی به منبع دقیق و عمیق فرهنگی را برای نسل‌های گوناگون فراهم آورد. در مقایسه با مصداق شرقی دیگر یعنی شهر موستار (ر.ک. پی‌نوشت ۶)، علت موفق نشدن اصفهان در معرفی خود به‌عنوان مجموعه شهری تاریخی (فراتر از آثار منفرد آن) و بی‌توجهی و اهتمام به حفظ کلیت منسجم و یکپارچه و حفظ ارتباط بین اجزای منظر شهری است که نتوانست از چنین امتیازهایی بهره‌مند شود. متأسفانه عناصر منظر شهری تاریخی اصفهان و بسیاری دیگر از شهرهای تاریخی ایران، اگر موفق به دریافت توجه و حمایت جهت حفظ و مرمت شده باشند، همچنان به‌صورت اجزای منفرد مورد توجه قرار می‌گیرند و برنامه‌ریزی برای حفاظت ساختار کلی و حفظ ارتباط اجزا در یک مجموعه منسجم مورد غفلت واقع می‌شود و با گذر زمان درگیر ازهم‌گسیختگی و چندپارگی مضاعف می‌شود. برنامه‌ریزی حفاظتی که برای فضای شهری صورت گرفته، به نظارت و ارزیابی مداوم نیازمند است تا بتوان به‌موقع جلوی عملکرد تخریبی بخش خصوصی سرمایه‌دار (نئولیبرالیسم حاکم بر فضای شهری) را گرفت؛ خصوصاً تخریب منظر سایت‌های تاریخی را؛ مانند: برج جهان‌نما و هتل چهارباغ و تخریب بافتی تاریخی به‌منظور ایجاد گذر با اهداف منفعت‌طلبانه و ثروت‌ساز. رویکرد حفظ ارزش‌های میراثی با تأمین آسایش و رفاه شهروندان، زمینه توسعه و حفاظت را به‌صورت هماهنگ فراهم می‌آورد.

پی‌نوشت

۱. طرح پژوهشی یادشده بر مبنای قرارداد ۱۴۰۰/۶۰/۷۹۹۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ در معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان ثبت و به انجام رسیده است.
۲. «در رابطه با دو واژه شرق و غرب اشاره جغرافیایی و فرهنگی وجود دارد. شرق اشاره به حوزه‌های تمدنی کهن آسیا دارد. در برابر تمدن نوین غرب که از رنسانس به این‌سو شکل گرفته است. شرق از نظامی از ارزش‌ها، جهان‌بینی‌ها، حکمت و اندیشه‌ای شکل گرفته که با آن همه تفاوت‌ها و دگرگونی‌ها و تنوعی که در سرزمین‌های شرقی دارد، باز از جوهر مشترکی برخوردار است که آن را از غرب متمایز می‌کند. در ادبیات فارسی نیز شرق کنایه از طلوع، جلوه‌گری آفتاب حقیقت و تابش انوار داشته و غرب به‌عنوان تاریکی، فرو رفتن در ظلمات و دور افتادن از حقیقت. واژه‌های مدرنیته را نیز می‌توان هم‌تراز غرب دانست. اما آنچه می‌تواند خاستگاه اصلی در اندیشه غربی باشد، تأکید آن بر اصالت بشر (اومانیزم) است در برابر اندیشه شرقی که همواره میان خود و خدا ارتباطی خاص قائل بوده؛ اراده خود را جزئی از اراده خدا می‌دانسته و ادعای جانشینی خدا در زمین را داشته و نه این‌که خود خدا باشد. در واقع انسان غربی و شرقی هر دو «انال‌الحق» زده‌اند، یکی با اصل پنداشتن «حق» و دیگری با اصل پنداشتن «انا» (هوشیاری، ۱۳۹۹ به نقل از آشوری، ۱۳۵۳)؛ «مرزبندی میان غرب و شرق یک مرزبندی فرهنگی است و نه جغرافیایی، چراکه کشوری چون استرالیا، غربی به شمار می‌آید و کشورهای اسلامی با این‌که از شمال آفریقا تا اندونزی گسترده شده‌اند شرقی محسوب می‌شوند، و یا روسیه برای اروپا، شرقی و برای کشورهای اسلامی، غربی دانسته می‌شود» (هوشیاری، ۱۳۹۹ به نقل از Mestrovic, 2004). دنیای غرب به باور "هانتینگتون" و برخی دیگر دربردارنده اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا و زلاندنو است. آمریکای لاتین نیز گاهی در دنیای غرب لحاظ شده و گاهی جدا از آن و با ویژگی‌های خاص خود در نظر گرفته می‌شود (Kurth, 2003/2004; Huntington, 2007).
۳. چیستی و مفهوم نئولیبرالیسم: اصطلاح نئولیبرالیسم برگرفته از کلمه لیبرالیسم و ریشه لاتین (Liber) به معنای آزادی فردی است. لیبرالیسم نواز دهه ۱۹۷۰ با بروز انقلاب در زمینه تکنولوژی ارتباطی، امکان انتقال سریع‌تر اطلاعات و یافته‌ها به سراسر جهان گسترش یافته و تقویت جامعه مدنی جهانی و ظهور شهروند آگاه جهانی، پدید آمد (حاتمی‌نژاد و فرجی ملایی، ۱۳۹۲ به نقل از تقوایی و سروری، ۱۳۸۴: ۱۵۸). در واقع نئولیبرالیسم از دل برنامه‌های محافظه‌کارانه نئولیبرال داخلی بازیگران سیاسی موفق دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، نظیر "میلتون فریدمن" در ایالات متحده و با سیاست سازمان روشنفکرتری چون "کیف جوزف" در بریتانیا بیرون آمد (حاتمی‌نژاد و فرجی ملایی، ۱۳۹۲ به نقل از هاروی، ۱۳۸۶: ۴۶ - ۳۲). پس از دگرگون شدن نوع رابطه و تعامل میان دولت، سرمایه و نیروی کار در دهه ۱۹۷۰ و افزایش تقاضا برای نظام نوین اقتصاد سیاسی در پی شکست لیبرالیسم درونی شده که موجب زیرسؤال رفتن کارآمدی دولت رفاه و سیاست‌های حمایت‌گرایانه پس از جنگ شد، نئولیبرالیسم به‌عنوان پروژه‌های جدید به‌منظور ترسیم و سامان‌بخشی نظام اقتصاد بین‌المللی متولد گشت (سلیمانی، ۱۳۸۵) که در این رویکرد، دولت کوچک‌ترین مقیاس را داشت. بحث فعالیت آزاد لیبرالیسم نو با همان نئولیبرالیسم که به‌وضوح متضمن پایان اقتدار دولت است این ادعاها را مطرح می‌سازد:

- عملیات آزاد اقتصادی به دور از قید و بندهای نظارتی؛
- قدرت تحرک شرکت‌ها، مستقل از دولت؛
- گشایش بازارهای تازه و عوامل غیردولتی؛
- جهانی شدن (فصیحی، ۱۳۸۰).

4. Neoliberalism Conservation

۵. منظور از خیال‌پردازانه، بازسازی بدون استناد، کافی به شواهد معتبر صرفاً با هدف ایجاد تصویری واهی و غیرواقعی از میراث است.

6. Mostar in Bosnia and Herzegovina.

۷. این اتفاق زمانی رخ داد که مرکز کانونی موجود، یعنی میدان کهنه دیگر با نیازهای تشکیلات فرهنگی و سیاسی جدید متناسب نبود و از این رو، مرکز کانونی جدید یعنی میدان نقش جهان در جنوب شهر، پایه‌ریزی شد. مرکز جدید شهر، به‌عنوان بخش مهمی از یک طرح عظیم، از طریق شبکه بازار به مرکز خطی قدیمی شهر متصل شد و در حالی که مرکز قدیم را نیز پشتیبانی می‌کرد، مرکز تمامی فعالیت‌ها شد (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۹۲: ۳۸).

۸. در کتاب «ساخت شهر بر اساس مبانی هنری» از کامیلو زیتته، شرح مفصلی درباره ویژگی‌ها و مزیت‌های شهرهای تاریخی و نقد شناخته‌نشده و توجه به آن‌ها در فرایند طراحی مدرن شهری ارائه شده است (زیتته، ۱۳۹۴).

۹. موستار، شهری که دره عمیقی از رودخانه نرتووا را در بر می‌گیرد، در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی به‌عنوان شهر مرزی عثمانی و در دوره اتریش-مجارستان سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی توسعه یافت. این شهر از قدیم به دلیل داشتن خانه‌های ترکی قدیمی و پل قدیمی، استاری موست، که نام شهر از آن گرفته شده، شناخته شده است. بخش تاریخی موستار نتیجه تعامل بین پدیده‌های طبیعی و خلاقیت بشر در طول یک دوره طولانی تاریخی است. همچنین شهر تاریخی موستار نمادی از تساهل را در زندگی مشترک مسلمانان، مسیحیان و یهودیان ارائه می‌دهد. هرچند شهر موستار، در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۹۲ طی جنگ به شدت آسیب دید، اما با همت سازمان‌های بین‌المللی و متخصصان بومی بازسازی شد و در مواردی عملکردهای گذشته ابنیه به آن برگردانده و در مواردی نیز تغییر کاربری متناسب با ارزش‌ها صورت گرفت؛ سنگ‌فرش‌ها، جداره‌ها و منظر گذرها با الهام از طرح و سبک سنتی خود بازسازی شدند و امروز شاهد نمونه‌ای موفق از یک بازسازی در شرق (اروپای شرقی) هستیم. در اینجا حفظ روش‌ها و سنت‌های خلق اثر با حفظ ارزش اصالت و منظر تاریخی گره خورده است.

در روند برنامه‌ریزی جامع برای شهر موستار به این موضوع اشاره شده که شهرهایی مانند موستار، به جای رقابت با شهرهای بزرگ و تکرار اشتباهات آن‌ها باید بر ویژگی‌ها و دارائی‌های متمایزشان تأکید کنند. این مدل توسعه شهر که ریشه در گذشته دارد و محدودیت‌های مکانی آن را در نظر می‌گیرد، می‌تواند از فرصت‌ها استفاده کند و نقش شهر را در سال‌های آتی دوباره احیا نماید. خلاصه‌ای از ایده‌های اساسی زمینه‌ساز برنامه‌ریزی و پیشنهاد برای "حفظ شهر قدیمی و توسعه منطقه" در موستار بدین صورت بیان شده است:

تقویت ارتباط تکمیل‌کننده بین پل قدیمی و بازار و محله‌های تاریخی و بافت‌های اطراف شهر و محافظت آن‌ها بر اساس یک برنامه‌ریزی استوار، روشن و هماهنگ.

نقش مرکزیت رودخانه نرتووا در شکل‌گیری تصویری کلی شهر و هویت آن در جهت کمک به حفظ خصوصیات فضای طبیعی آن در آینده باید شناخته شود. ویژگی‌های طبیعی نباید توسط نقاط دسترسی متعدد یا ازدیاد ساختمان‌ها، ایوان‌ها و ساختمان‌های موقت در طول ساحل رودخانه، تحت‌الشعاع قرار بگیرد.

تسهیل و بهبود جریان رفت‌وآمد در منطقه مرکزی با پایه‌گذاری یک سلسله‌مراتب مشخص از جاده‌های وسایل نقلیه و یک شبکه پیاده‌رو که در آن رفت‌وآمد و پارکینگ به‌صورت منظم تعبیه شده است. تقویت و توسعه محل‌های پارک ماشین در اطراف ناحیه مرکزی با دسترسی آسان به پیاده‌روهایی که به هسته تاریخی شهر منتهی می‌شوند.

شناخت نقاط کلیدی "مناطق عملیاتی" و "فضاهای خیابان" به‌عنوان مناطق در اولویت که باید هدف تلاش‌های خاص برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی باشند. این اتصالات و گره‌های شهری باید بخش‌های مربوط به مناطق عثمانی و اتریشی-مجارستانی را در محدوده مرکزی شهر دوباره به هم مرتبط سازند و شکاف‌ها و ترک‌هایی که در فضای سنتی شهر بر اثر توسعه مدرنیست در دهه هفتاد و هشتاد پیش آمده و همچنین خرابی ناشی از جنگ و توسعه نامنظم پس از آن را ترمیم کنند.

احیای دوباره ساختمان‌های تاریخی ویرانه، خالی از سکنه یا استفاده‌شده در ناحیه مرکزی. این سازه‌ها گذشته چندفرهنگی موستار را نشان می‌دهند و برای تشویق رشد اقتصادی، احیای دوباره محله‌ها و افزایش غرور و هویت جامعه باید به‌صورت مناسبی دوباره ز آن‌ها بهره‌برداری شود (مؤسسه فرهنگی آقاخان، ۱۳۹۵: ۳۱-۳۰).

در گزیده‌ای از تصاویر چگونگی بازسازی بناهای منفرد و مناظر تاریخی و فرهنگی شهر به نمایش در آمده است:

شکل‌های ۱۸ و ۱۹. ساختمان‌های آسیب‌دیده در بخش قدیمی شهر موستار در ژوئن ۱۹۹۳.



شکل ۲۰. یک پیاده‌راه در موستار (URL7)



شکل ۱۸: ساختمان های آسیب دیده در بخش قدیمی شهر موستار در ژوئن ۱۹۹۳ (URL7)



شکل ۱۹: وضعیت تصویر بالا در فوریه ۲۰۱۳ (URL7)

عکس بالا، همان مکان را در ۲۳ فوریه ۲۰۱۳ نشان می‌دهد (URL7).

خوانندگان برای مطالعه بیشتر می‌توانند مراجعه نمایند به: گزارش برنامه حمایت از شهرهای تاریخی مؤسسه فرهنگی آفاخان باعنوان «حفاظت و تجدید حیات شهر تاریخی موستار» که مهدی پیرحیاتی و همکاران (۱۳۹۵) آن را به فارسی برگردانده‌اند.

۱۰. میدان نقش جهان اصفهان که در سال ۱۳۵۸ ه.ش. در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است، میدانی به مساحت ۹ هکتار است که اطراف آن را چهار بنای معماری، مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف‌الله، کوشک عالی قاپو، رواق قیصریه و مجموعه‌ای از غرفه‌های تاقی شکل دو طبقه با تزئینات ویژه، احاطه کرده‌اند (UNESCO, 2016).

۱۱. از اوایل دهه ۹۰، شهرداری اصفهان عملیاتی را برای انسداد ورودی وسایل نقلیه موتوری به قسمت‌های جنوبی میدان و تغییر آن به مسیر پیاده‌راه و مسیر عبور کالسکه انجام داد که روند آن تا سال ۱۳۹۴ ه.ش. نهایی شد. به گونه‌ای که وسایل نقلیه موتوری اجازه گردش در اطراف میدان را نداشتند و دسترسی آن‌ها به بخش‌های مرکزی و جنوبی میدان محدود بود. این امر باعث ازدحام ترافیک در قسمت شمالی میدان شد. به عبارت دیگر محدوده تردد خودروی میدان به فضای بین خیابان حافظ و رواق قیصریه محدود می‌شد، زیرا وسایل نقلیه موتوری می‌توانستند در طول خیابان‌های حافظ و سپه وارد محوطه میدان شده و از آن خارج شوند. محدوده بین خیابان سپه و قیصریه به‌عنوان پارکینگ در آن زمان تعیین شد. در تداوم تحولات مذکور، سازمان عمران و بازآفرینی شهری اصفهان محدودیت دسترسی خودرو به محدوده میدان را پیگیری کرد. این بار پارکینگ در ضلع شمالی میدان و روبروی قیصریه که محدوده وسیعی از فضای باز میدان را در بر می‌گرفت، با تغییر به فضای سبز حذف شد. بدین ترتیب پارکینگ‌ها برای تمامی وسایل نقلیه موتوری به محدوده بین خیابان حافظ و سپه محدود شد (UNESCO, 2016).

فهرست منابع

- آرشیو تصاویر پایگاه میراث جهانی در دفتر پایگاه میدان نقش جهان، دسترسی ۱۴۰۱.
- آشوری، داریوش (۱۳۵۳). شرق و غرب. نشریه فرهنگ و زندگی، (۱۵)، ۲۷ - ۲۰.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۹۲). اصفهان شهر نور، ترجمه لیلیا پهلوان‌زاده، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.

- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶). **هویت شهر**. تهران: شهر.
- حاتمی نژاد، حسین و فرجی ملائی، امین (۱۳۹۲). **نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر فضای شهری** (مطالعه موردی: شهرهای انگلستان). **نشریه اطلاعات جغرافیایی سپهر**؛ (۸۵)، ۲۴-۱۸.
- حبیبی محسن و اهری، زهرا (۱۳۹۱). **مکتب اصفهان: زبان طراحی شهری در شهرهای کهن**. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رنجبر، احسان؛ آرم، زهرا و مارتی کازانواس، میکل (۱۳۹۸). **کندوکاوی در ماهیت دگرگونی فضاهای شهری در شهرهای تاریخی ایران**، مورد مطالعه: شهر اصفهان. **باغ نظر**، ۱۶ (۷۳)، ۴۰-۲۹.
- زیتنه، کامیلو (۱۳۹۴). **ساخت شهر بر اساس مبانی هنری**؛ ترجمه فریدون غریب، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمانی، رضا (۱۳۸۵). **اقتصاد سیاسی کارکرد نو محافظه کاران در آمریکا**. **ماهنامه اقتصادی-سیاسی**، سال چهارم (۱۳۸۵)، ۱۸۷-۱۶۸.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۱). **جغرافیای اصفهان: به ضمیمه یک صد و پنجاه قطعه نقشه، نمودار و عکس**. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- _____ (۱۳۸۵). **بازار بزرگ اصفهان**. اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- فصیحی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). **جهانی شدن و نابرابری در جوامع شهر و جنوب شرق آسیا**. **فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، سال شانزدهم (۱۷۰-۱۶۹)، ۱۹۱-۱۷۸.
- کیانی ده‌کیانی، غلامرضا (۱۳۹۴). **"حفاظت از منظر شهری تاریخی بازیابی نظم حاکم بر سازمان فضائی شهر اصفهان با ابتدای بر هندسه راه‌ها و فضاهای باز در دوره صفوی"**. رساله دکتری، دانشکده مرمت، اصفهان: دانشگاه هنر.
- موسسه فرهنگی آقاخان (۱۳۹۵). **حفاظت و تجدید حیات شهر تاریخی موستار**. ترجمه مهدی پیرحیاتی، آراسته ملاکین و سروش هاشمی، چاپ اول، تهران: اول و آخر.
- مهندسین مشاور باوند اصفهان (۱۳۸۲ الف). **طرح توسعه اصفهان تاریخی**، اهداف، راهبردها و سیاست‌ها. اصفهان: شهرداری اصفهان.
- _____ (۱۳۸۲ ب). **طرح توسعه اصفهان تاریخی**، بازنگری در طرح تفصیلی مناطق ۱ و ۳ اصفهان، جلد یک: سازمان فضایی و کالبدی. اصفهان: شهرداری اصفهان.
- هوشیاری، مهدی (۱۳۹۹). **"سنت تعمیرات معماری در دوره معاصر ایران از منظر تطابق با اصول جهانی حفاظت"**. رساله دکتری، مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، اصفهان: دانشگاه هنر.
- هوشیاری، محمد مهدی؛ پدram، بهنام و زمانی فرد، علی (۱۴۰۲). **رویکرد سنتی حفاظت معماری در مشرق زمین**. **نشریه معماری و شهرسازی ایران**، دوره ۱۳ (۱)، ۳۵۴-۳۳۹.
- Aga Khan Trust for Culture (2004). **Historic Cities Support Programme, Conservation and Revitalization of Historic Mostar**. Switzerland: Aga Khan Trust.
- Arjomand Kermani, A. (2016). **Developing a Framework for Qualitative Evaluation of Urban Interventions in Iranian Historical Cores. A+BE: Architecture and the Built Environment**. Delft University of Technology, Faculty of Architecture and the Built Environment, Department of Urbanism <http://dx.doi.org/10.7480/abe.2016.10>.
- Azarm, Z., Ghalani, Z. & Ranjbar, E. (2017). **Transformation of Public Spaces and Changing Pattern of Mobility in a Historic City. Case Study: Isfahan, Iran**. **22nd International Conference on Urban Planning and Regional Development in the Information Society GeoMultimedia**. Vienna: Austria.
- Huntington, Samuel. P. (2007). **The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order**. Simon and Schuster.
- Kurth, J. (2003/2004). **Western Civilization, Our Tradition**. *The Intercollegiate Review*. 39(1-2), 5-13.



- UNESCO (2016). "State of Conservation report of Meidan Emam Esfahan World Heritage Site, World Heritage Convention, ICHHTO". Tehran, Available on: <https://whc.unesco.org/document/135279>
- URL1: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/b/b6/Esfahan_scheme_middle_ages_fr.png Data taken from Simon Ayvazian, Darab Diba, Philippe Revault et Serge Santelli, *Maisons d'Ispahan*, Maisonneuve et Larose, Paris, 2002, 250
- URL2: https://cdn.yjc.news/files/fa/news/1399/6/30/12617991_590.jpg
- URL3: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Sch%C3%A9ma_isfahan_safavides.svg, Data taken from Simon Ayvazian, Darab Diba, Philippe Revault et Serge Santelli, *Maisons d'Ispahan*, Maisonneuve et Larose, Paris, 2002, 250 p)
- URL4: <http://aoapedia.ir/>(access date: 2022).
- URL5: <https://www.manchester.ac.uk/>(access date: 2022).
- URL6: (<https://www.iichs.ir/>), (access date: 2022).
- URL7: (<https://www.rferl.org/a/bosnia-herzegovina-politics-war/24948994.html>), (access date: 2022).
- URL8: (<https://storyateverycorner.com/>), (access date: 2022).

